

کاوشی در تأثیرپذیری رفتاری کودک از محیط و اشخاص از منظر روانشناسی

هاجر سعدی^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح دو (کارشناسی) رشته فقه و اصول، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)، کوی علوی اهواز، فعال فرهنگی و پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه

چکیده

عوامل متعددی بر رفتار کودک تأثیرگذار بوده که عوامل محیطی مانند خانواده و عوامل انسانی از جمله پدر و مادر از آن دسته به شمار رفته اند. کودک به عنوان یک انسان از روحی آینه مانند برخوردار بوده و غالباً این گونه بوده که رفتار او را بر اساس الگوهای که با آن ها سروکار داشته و محیط هایی که در آن ها حضور داشته تنظیم کرده است. به طور کلی کودکان بیشتر از افراد بزرگتر، تحت تأثیر قرار می گیرند چرا که بزرگترها قادرند بین بعضی امور و کارها امتیاز و فرقی قائل شوند در صورتی که کودک به دلیل عدم علم کافی و بدون مطالعه و ارزیابی از تمام اعمال و رفتار و گفتار دیگران، الگوبرداری می نماید. کودک به درستی یا نادرستی، خوب یا بد، نفع یا ضرر گفتار و کردار نمی اندیشد بلکه فقط برای او مهم این است که اعمال، گفتارها و رفتارها را به عنوان یک قانون حتمی بپذیرد. از این رو مقاله ی حاضر که با بهره مندی از کتب و سایت های معتبر نگارش شده و به صورت کتابخانه ای و اسنادی جمع آوری گردیده و روش پردازش آن توصیفی بوده با هدف تبیین تأثیر پذیری رفتاری کودک از محیط و اشخاص از منظر روانشناسی صورت گرفته و در آن به تعریف تعابیر تأثیر پذیری، رفتار، کودک و هم چنین بررسی تأثیر عوامل محیطی و اشخاص پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: رفتار، کودک، محیط، والدین، همتایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از ویژگی های مهم انسان تاثیرپذیری است که در سعادت یا شقاوت وی نقش به سزایی دارد. انسان وقتی در شرایطی قرار می گیرد خواه یا ناخواه تحت تاثیر قرار گرفته و شخصیت و رفتارش را بر اساس آن شرایط تطبیق می دهد البته این موضوع به معنای جبر مطلق نیست بلکه خداوند به انسان عقل داده و با اینکه در شرایط خاصی است می تواند خلاف آن شرایط رشد کند. کودک هم که در عرف به فرزند انسان، دختر یا پسر زیر ۱۸ سال اطلاق می شود مستثنا از این قاعده نیست و با فطرت نسبتاً پاکی که دارد تاثیرپذیر تر بوده و با توجه به محیطی که در آن زیست دارد و اشخاصی که با آنها در ارتباط است رفتارش را شکل می دهد. این مسئله به قدری حائز اهمیت است که خداوند متعال در قرآن کریم در دفعات متعددی در رابطه با تاثیرپذیری مطلق انسان ها آیاتی بیان فرموده اند، همچنین احادیث متعددی از ائمه بزرگوار به دست ما رسیده و در کتاب نهج البلاغه سخنانی در این رابطه از امیرالمومنین علیه السلام بیان شده است.

و اما در رابطه با تاثیر پذیری کودک، کتبی نگاشته شده از جمله کتاب روانشناسی کودک اثر پرویز خاکیه که در سال ۱۳۶۹ توسط صاحب اثر و در ۲۵۶ صفحه نشر یافته با استفاده از نظریات، تحقیقات و تالیفات دانشمندان ایرانی و استادان روانشناسی خارجی برای والدینی که به دنبال تربیت و پرورش کودک خود هستند مطالبی عرضه می کند. این اثر که کتابی کلی است والدین را در زمینه هایی همچون زمان آغاز و مکان تربیت، شخصیت، اعتماد و اتکا به نفس کودک، نقش دین در تربیت کودک، نقش خانواده و مربی در تربیت کودک یاری می دهد. همچنین کتاب نقش دوستان در سرنوشت انسان نوشته علی اکبر صمدی که توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران در سال ۱۳۸۷ منتشر شده و در ۱۲۰ صفحه نوشته شده کتاب دیگری است که در این زمینه می توان از آن بهره گرفت. در این اثر به هر دو جنبه مثبت و منفی آثار و پیامدهای تاثیر پذیری یا تأثیرگذاری دوستان پرداخته شده، کتب دیگری نیز وجود دارد که از معرفی آنها به منظور رعایت اختصار صرف نظر شده است.

این موضوع در حیطه علم روانشناسی بوده و این مقاله به منظور بررسی تاثیرپذیری رفتاری کودک از محیط و اشخاص نگاشته شده و در آن مفهوم تاثیرپذیری، تعریف رفتار و کودک، همچنین عوامل محیطی و اشخاص موثر بر رفتار کودک بیان شده است.

مفاهیم

تأثیرپذیری

انسان برترین موجود جهان آفرینش و برخوردار از نیروهای مختلف است. وی با داشتن این نیروهای مختلف ممکن است تحت تاثیر عوامل بیرونی یا درونی واقع شود. به نظر می رسد علت تاثیر پذیری انسان، این باشد که حقیقت و روح انسان حالتی شبیه آینه دارد. به تعبیر اهل عرفان انسان جام جهان نما است که یک معنای آن این است که ویژگی نفس و جان انسان «دیگر نما» بودن است.

در هر صورت تاثیر پذیری خاصیت نفس انسانی است. به بیان برخی از حکیمان: «نفس بس که لطیف است به هر چه رو آورد به صورت آن در می آید». این مطلب به اندازه ای روشن و آشکار است که به صورت ضرب المثل در آمده است:

خواجه این نکته را مگر دانی
خوپذیر است نفس انسانی^۲

انسان از شرایط و موقعیت های وراثتی، زیستی، جغرافیایی و طبیعی، خانواده، مدرسه، معلم، مربی، صاحب دل، دوست و هم نشین و نیز از وسایل ارتباط جمعی و همچنین از موقعیت شغلی، صنفی و اجتماعی تأثیر می پذیرد و از مجموعه این عوامل شخصیت و شاکله و رفتار او ساخته و پرداخته می شود. بنابراین تاثیراتی را که انسان می پذیرد به چهار گروه اصلی می توان تقسیم کرد:

- ۱- تاثیرات ژنتیکی: شامل تمامی عوامل وراثتی که از والدین و یا نسلهای قبل به فرد منتقل می شود.
 - ۲- تاثیرات تاریخی: شامل وقایع ادوار مختلف تاریخ مربوط به فرد که در بلند مدت ژنتیکی شده و بر رفتار و روحیات وی تاثیر می گذارد.
 - ۳- تاثیرات آب و هوایی: شامل شرایط اقلیمی و آب و هوایی که در رفتار و روحیات و شکل فیزیکی فرد تاثیر دارد.
 - ۴- تاثیرات محیطی: شامل محیط تربیتی و اجتماعی فرد که دوره های مختلفی داشته و ضمن شکل دادن به شخصیت فرد و فرهنگ و آداب، بر روحیات و رفتار وی نیز تاثیر گذار است.^۳
- خود انسان نیز بر فرد و جامعه و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تأثیر می گذارد و موقعیت های فردی و اجتماعی را دگرگون می کند و حتی می تواند ملکات و سجایای ناپسند را پیراسته کند و به زیورهای اخلاقی آراسته کند. بر این اساس از دیرباز گفته اند؛ انسان طبیعتی تربیت پذیر دارد و اگر به گونه ای ساخته و پرداخته و سرشته شده بود که تربیت ناپذیر می بود، بی تردید مسأله بعثت، تربیت، موعظت و هدایت و تطهیر باطن لغو و بیهوده می بود.^۴ البته در عین حال باید توجه داشت خداوند نیرویی به نام عقل به انسان داده است که می تواند تمام داده های از درون و بیرون را واکاوی و تحقیق کند و با معیار و ملاک های محکم منطقی آنها را به چالش بکشاند و موارد صحیح را از نادرست بازشناسی کند و امور حقیقی و واقعی را از امور غیر واقعی و غیر حقیقی شناسایی نماید و بر اساس قدرت اراده و انتخابی که دارد در موارد مختلف تصمیم مناسب اتخاذ کند.^۵ بنابراین نباید پنداشته شود که اگر کسی در خانواده ناسالم و هدایت نایافته رشد یافت عذری برای گمراهی خویش دارد، چنین نیست؛ زیرا اگر هر شخصی هدایت یافت و راه حق را پیدا کرد گمراهی پدر و مادر و برادر و خواهر و رفیق به او زیانی نمی رساند بلکه باید تلاش کند که دیگران را به راه راست هدایت کند، زیرا انسان هدایت یافته

^۱ حسن زاده آملی، مجموعه مقالات، ص ۱۲۵

^۲ حکیم سنایی

^۳ lam.irib.ir

^۴ Iqna .ir

^۵ Wikiporsesh.ir

کسی است که به تمام وظایف فردی و اجتماعی خویش عمل کند که یکی از آن وظایف مهم امر به معروف و نهی از منکر است.^۶

رفتار

رفتار پاسخی است که ارگانیسم به انگیزه بیرونی می دهد. به بیان دیگر رفتار واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی از موجود زنده سر می زند، این رفتار در انسان پیچیده تر از سایر موجودات است دلیل این پیچیدگی فرآیندهای ذهنی گسترده و تو در توی انسان است. رفتار یک پاسخ قابل مشاهده بوده که شامل هر فعالیت و عملی است که موجود زنده انجام می دهد و متضمن کارهای بدنی و پنهان، اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و عقلی می باشد. خواه یک عمل خاص و یا مجموعه ای از اعمال باشد. روش کار شخص در یک وضع و موقعیت خاص و معین نیز رفتار او را تشکیل می دهد.^۷ برای شناخت رفتار باید ویژگی های آن را شناخت. رفتار دارای ویژگی های زیر است:

(۱) رفتار یک اقدام و عمل (کردار و گفتار) است: مانند دیر آمد و فریاد کشید، نه یک صفت یا ویژگی مانند عصبانیت و ماهر.

(۲) رفتار عملی است قابل مشاهده و فیزیکی که دست کم از یکی از سه جهت (فراوانی، تداوم و شدت) قابل تشخیص و اندازه گیری و نمایش در قالب یک کمیت عددی باشد.

(۳) از آنجا که رفتار جنبه فیزیکی دارد پس قابل حس و مشاهده است و چیزی که مشاهده شود قابل توصیف و ثبت وقایع نیز هست.

(۴) رفتار به صورت قانونمند از محیط (فیزیکی و اجتماعی) تاثیر می پذیرد و بر آن تأثیر می گذارد این قاعده را قانونمندی رفتار می گویند.

(۵) رفتار آدمی به دو صورت آشکار و پنهان اتفاق می افتد. رفتار آشکار رفتاری است که دیگران نمی توانند آن را از طریق یکی از حواس خود دریافت کنند و رفتار پنهان آن است که فقط خود شخص رفتارش را درک می کند مانند فکر کردن.^۸

کودک

فرزند انسان چه دختر و چه پسر از زمان تولد تا بلوغ «کودک» یا «صغیر» نامیده می شود که معادل آن در زبان عربی «طفل» است. در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. این لفظ بر فرزند مذکر و مؤنث و نیز جمع آنها (فرزندان) اطلاق می گردد و تا زمانی که به تمیز نرسیده او را طفل صغیر می نامند.»^۹ واژه ی کودک از

^۶Iqna .ir

استیفن، رفتار سازمانی: مفاهیم، نظریه ها و کاربردها، صص ۱۵ تا ۱۸

^۷midesign.blogfa.com

فیومی، مصباح المنیر، صص ۴۷۴

ریشه پهلوی « کوک » به معنای کوتاه گرفته شده و با واژه های کوتاه و کوچک هم خانواده می باشد . این واژه به بزرگ نشدن و سادگی و پاکی نیز اشاره دارد.^{۱۱}

تعریف کودک در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک این طور آمده که « منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود » بنابراین از نظر کنوانسیون دوره کودکی در ۱۸ سالگی پایان می یابد مگر آن که در کشوری خاص کودک زودتر به بلوغ رسیده باشد.^{۱۲}

در حقوق ایران به مانند بیشتر نظام های حقوقی دوره کودکی به دو دوره عدم تمیز و تمیز بخش می شود اما تعریف قانونی از دوره تمیز نشده است . تمیز به معنی جدایی اشیا از یکدیگر است و در جایی به کار می رود که چند چیز با یکدیگر مشتبه شده باشند و فرد یا افرادی آنها را مشخص و از یکدیگر جدا سازند ، کودکی که در دوره تمیز باشد « کودک ممیز » گفته می شود و آن عبارت است از : کودکی که گرچه سن و سال کمی دارد ولی شعورش به امور روزمره می کشد و سرش در خرید و فروش های عادی کلاه نمی رود و هنجارهای روزمره مردم را تا حد متعارف می داند ، بنابراین کودک ممیز کسی است که می تواند سود و زیان خود را تشخیص دهد .^{۱۳}

در مصباح المنیر نقل شده است : « تمیز قوه ای است در مغز انسان که به او توانایی می دهد معانی و مفاهیم را از یکدیگر جدا ساخته و مشخص نماید . »^{۱۴}

غیر ممیز نیز کسی است که پا به دوره ی تمیز نگذاشته باشد . پس دوره ی عدم تمیز به دوره ی زندگانی کودک پیش از دوره تمیز گفته می شود ، بنابراین غیر ممیز به کودکی اطلاق می شود که به این حد از فهم نرسیده و قدرت تشخیص سود و زیان خود را ندارد مانند کودکان شیرخوار و بچه های سه چهار ساله .^{۱۵}

در برخی از کشورها برای دوره تمیز سنی تعیین شده و اگر کودک به آن سن رسیده باشد ممیز محسوب می شود .^{۱۶} برای نمونه قانون مدنی آلمان سن ۷ سال تمام را پایان دوره عدم تمیز کودک می داند و از آن به بعد کودک ممیز محسوب می شود . در این قانون یکی از گروه کسانی که اهلیت استیفا به دست خودشان را ندارند کودکانی نام برده شده اند که هنوز هفت سالشان تمام نشده است.^{۱۷}

^۱kuk

^{۱۱} wikipedia.org

کنوانسیون ۱۹۸۹، حقوق کودک سازمان ملل متحد د، ماده ۱^{۱۲} قانون

^۱wikipedia.org

فیومی ، مصباح المنیر ، ص ۵۸۷

^۱wikipedia.org

^۱Wikifeqh .ir

قانون مدنی آلمان ، ماده ی ۱۰۴ ، شماره ۷

تأثیر محیط بر رفتار کودک

خانواده

خانواده به مفهوم محدود آن عبارتست از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنها، آن را تکمیل می کنند. تعریف دیگری خانواده را شامل مجموعه ای از افراد می داند که با هدف و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می آیند، اسلام نیز خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می دهد و نکاح عقدی است که براساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در پس آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می گردند.^{۱۸}

خانواده اولین و مهم ترین محیطی است که انسان در آن قدم می گذارد. کودک در خانه متولد می شود و عادات را در آن جا کسب می کند تا به مرحله رشد برسد. کودک در این مرحله تحت تأثیر هر امری است که او را احاطه کرده و قابلیت انعطاف او در این مرحله بیش از مراحل دیگر می باشد. به مجرد این که کودک لغت و زبان مادری را فرا گرفت، از طریق مکالمه و گفتگو، افکار و آراء زیادی از افراد خانواده به او منتقل شده و معارف و اطلاعاتش هم سطح با افکار خانواده پیش می رود. وقتی تفاوت های افراد را در رفتار آن ها از قبیل خوردن و آشامیدن، راه رفتن و خوابیدن، لباس پوشیدن و معاشرت آن ها با دیگران را مورد مطالعه قرار می دهیم، می فهمیم که خانواده عامل بسیار مهمی در شخصیت جسمی و روحی و اخلاق و رفتار کودک است. چون در این مرحله کودک از افراد خانواده تقلید می کند.^{۱۹}

وقتی محیط خانواده دوستانه، صادقانه، محبت آمیز و همراه با حس وظیفه شناسی و احترام بود، فضایی آرام و معنوی به وجود خواهد آمد و این فضا در آرامش روانی، شکوفایی استعدادها و همچنین خلاقیت فرزندان و ثبات رفتار مؤثر خواهد بود؛ زیرا یکی از شرایط عمده برای رشد عاطفی، ذهنی، رفتاری، فکری و روانی کودکان، محیط مناسب خانواده است که این فضا در خانواده هایی که ملتزم به حقوق متقابل و ارزش های اخلاقی و دینی هستند، به وجود می آید. این گونه خانواده ها بیشترین شباهت را به خانواده ای که در روان شناسی به خانواده مقتدر معروف است، دارند. خانواده مقتدر بهترین نوع خانواده ها و بهترین نوع تربیتی است.^{۲۰}

آلبرت بندورا، یکی از روان شناسان بزرگ غربی اعتقاد دارد که تعامل شخص، محیط و رفتار، جبر متقابل به وجود می آورد؛ یعنی وقتی فردی در محیطی زندگی می کند و رفتار خاصی انجام می دهد (خوب یا بد) آن رفتار در محیط تأثیر گذاشته و محیط را تغییر می دهد و محیط تغییر یافته، دوباره بر فرد اثر گذاشته و رفتار او را به نوعی دیگر رقم می زند؛ حال اگر رفتار فرد مطلوب و صحیح باشد، محیط به طرف اصلاح و پاکیزه تر شدن متمایل شده و محیط پاکیزه دوباره بر فرد اثر گذاشته و رفتار او بهتر از گذشته خواهد شد. این فرایند در رفتارهای ناهنجار نیز وجود دارد. با این همه اگر کسی در کودکی از خانواده سالم و عواطف لازم برخوردار نبوده باشد، به این معنی نیست که او نمی تواند هیچ نوع اصلاحی در خود به

^{۱۸}Tebyan .net

حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، صص ۱۰۹ - ۱۱۱

^{۲۰}Hawzah .net

عمل آورد زیرا شخصیت انسان خارج از دسترس نیست. می توان در آن تأمل کرده، مسائل و مشکلات را تشخیص داده و برطرف کرد.^{۲۱}

مدرسه

نکته قابل توجه در دوران کودکی و نوجوانی شکل گیری هویت اساسی افراد است، پس نقش تربیت در این دوران جایگاه ویژه ای پیدا می کند. تربیت در یک جمله این گونه معنی می شود: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» فردی را تربیت کردن به معنای آن است که روش رفتاری و گفتاری به وی آموزش داده شود. تربیت شامل ایجاد هر نوع کمالی در فرد می شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد و مدرسه به عنوان یک مرکز تربیتی و آموزشی، نقشی اساسی در تربیت فرزندان دارد.^{۲۲}

رشد شخصیتی و فکری کودک که در خانه شکل گرفته، در مدرسه تکمیل شده قوام می یابد. مدرسه آغاز جداسدن کودک از خانواده است^{۲۳} لحظاتی را که کودک در مدرسه سپری می نماید از مهم ترین و حساس ترین لحظات زندگی او می باشد. فضای مدرسه تحت تأثیر عناصر گوناگونی از قبیل معلم، مدیر، ناظم، مستخدم، مسئول تربیتی و همکلاسی ها قرار دارد که همه آنان می توانند برای دانش آموزان الگو و سرمشق باشند و در شکل گیری ابعاد روحانی آنان ایفای نقش نمایند.^{۲۴}

در این محیط، کودک با کودکان همسال یا بزرگ تر از خود و همچنین با معلمی که مربی اوست، سروکار دارد. از آن جا که کودک در این سن نمی تواند امور را بسنجد و هدف تعیین کند، لذا بسیاری از اعمال خود را از دیگران و معلم خود تقلید می کند. چون معلم در نظر کودک عظیم ترین شخصیت می باشد^{۲۵}، مربی می تواند اثرات سوء عوامل دیگر را نابود ساخته و هرگونه انحراف و کجروی را تبدیل به راستی و سلامت نماید. چرا که استاد و مربی، سمبل و الگوی تربیتی بوده و کودک از حرکات و افعال و اخلاق او الگو می گیرد.^{۲۶}

مدرسه جایگاه مهمی است و مسئولیت سنگینی را بر عهده دارد. کار مدرسه، در آموزش دانش آموزان و انتقال برخی مفاهیم علمی و کلاسیک خلاصه نمی شود، بلکه این نهاد وظیفه سنگین تری را بر عهده دارد که عبارت است از تربیت روانی و اخلاقی دانش آموزان و پیش گیری از وقوع انحراف و فساد. مدرسه این مسئولیت بزرگ الهی و وجدانی را پذیرفته و باید در انجام آن تلاش و جدیت کند^{۲۷} گاهی رفتارهای معلم در کلاس درس فضا را برای دانش آموز نامطلوب و او را وادار

مایر و دیگران، رشد شخصیت و بهداشت روانی، ص ۷۸

^{۲۲} bahmankhah.com

امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۵۴

^{۲۳} habu.ir

حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۴۴۲

دشتی، مسئولیت تربیت، ص ۴۴

امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۵۴

بانجام رفتاری ناسازگارانه و غیر قابل تایید می کند. برای مثال؛ فرق گذاشتن بین دانش آموزان و توجه بیش از حد معلم به یک دانش آموز خاص، ممکن است موجب بروز واکنش و رفتار های منفی و ناهنجار از سوی دانش آموز یا دانش آموزان دیگر برای جلب توجه معلم به خود شود و همچنین این امر موجب کاهش اعتماد به نفس در دانش آموز می گردد. از این رو نقش معلم در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاقی کودکان بسیار دارای اهمیت است. معلم از یک نظر قهرمان کودک است و مورد قبول شاگرد. براین اساس همه افعال و اقوالش برای طفل حجت است. او رهبر علمی کودک است و باید الگوی اخلاق، نظافت، حسن برخورد و راه و رسم درست او باشد.

نفوذ معنوی معلم در بین شاگردان به قدری ریشه دارد که با اعمال و رفتار خود به الگو و سرمشق برای کودکان تبدیل می شود. کودکان و نوجوانان از تک تک اشارات و حرکات و نحوه گفتار و مثال ها و واژه هایی که معلم به کار می برد، تأثیر می پذیرد. همچنین کودک از روش کار مسئولان مدرسه، نحوه اعمال انضباط آنان، برخورد آنان با شاگردان، تشویق ها و تنبیه ها و قدرت جاذبه و دافعه آنان تأثیر می پذیرد. معلم یا مربی وظیفه دارد که از لحاظ رفتار همراه با مهر و محبت و نحوه تربیت شایسته، نقش یک ولی را ایفا نماید.^{۲۹}

اگر در احادیث از مقام والای معلم ستایش های فراوان شده، در حدی که در قیامت حق شفاعت به وی داده می شود، برای تعلیم تنها نیست، بلکه تعلیمی است که با تربیت و تادیب همراه باشد. دانش آموز امانتی است الهی که به منظور تعلیم و تربیت به مدرسه تحویل داده می شود و در این مدت سرپرستی او بر عهده مدیر و معلمان مدرسه خواهد بود و حق تعلیم و تربیت دارد.^{۳۰}

جامعه

بخش مهمی از تربیت هر فرد، نتیجه تجربه هایی است که در شکل گیری آن ها سهم جامعه بیش از نهادهای پیشین است. زندگی در میان جمع ممکن است منشأ بروز دگرگونی هایی باشد که اساس تربیت خانوادگی و مدرسه ای را در هم بریزد و از شخصیت دوران کودکی چیزی به کلی غیر از آن چه بوده است، فراهم آورد. جامعه و فرد هر دو در یکدیگر تأثیر دارند. هم فرد می تواند جامعه را بسازد و متحول نماید و هم جامعه در سیستم فکری افراد بی تأثیر نمی باشد.^{۳۱}

روابط اجتماعی با دوستان هم از عوامل مؤثر در تربیت است. اگر پدر و مادر برخورد صحیحی با این مسأله نکنند و یا دخالت و نظارت لازم نداشته باشند، ممکن است عامل روابط اجتماعی بادوستان، تمام پاکی های موروثی و خانواده را نابود سازد.^{۳۲}

^{۲۹} bahmankhah.com

^{۳۰} habu.ir

^{۳۱} امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۵۵

^{۳۲} معیری، بچه های خوب پرورش بد، صص ۲۷۶-۲۸۰

^{۳۳} دشتی، مسئولیت تربیت، صص ۳۲-۴۸

در همین رابطه محیط اجتماعی و جامعه نقش کلیدی و اساسی دارند؛ شاید بتوان گفت که در میان عوامل تاثیرگذار در شخصیت، بیشترین نقش را محیط اجتماعی و سپس زمان و سپس والدین و وراثت دارند. فشار جامعه و زمان بر فرد تا آنجاست که هرگونه مخالفت با آن موجب خروج از مدار اجتماعی می شود. ^{۳۳} امیرمومنان علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «هر که با زمان دشمنی ورزد، زمان، او را به خاک خواهد نشاند.» ^{۳۴} این بدان معناست که نمی توان به جنگ زمانه و مقتضیات آن رفت و باید با آن کنار آمد و آن را مدیریت و مهار کرد. شنا کردن برخلاف جریان زمان و مقتضیات آن جز خستگی و افزایش هزینه ها چیزی ندارد. در حقیقت امام علی (علیه السلام) می خواهند بفرمایند که نقش زمانه و محیط اجتماعی در شکل گیری شخصیت افراد بسیار مهم و اساسی است و کسی نمی تواند به مخالفت با این عوامل و عناصر برود و سربلند بیرون آید. اگر در گذشته شخصیت ها در محیط های کوچک و محدود روستا و محله و شهر شکل می گرفت و قابل کنترل و مهار بود و والدین نقش بسیار مهم و مستقیمی در تربیت فرزندان داشتند، در این امر تغییراتی رخ داده و مراجع و عوامل و اولیای تربیتی و تعلیمی کاملاً دگرگون شده است. در جهان امروز جامعه و زمان نقش تعیین کننده در شکل گیری شخصیت کودکان ایفا می کند. اگر در گذشته شخصیت آنان در دامان والدین شکل می گرفت؛ اما امروز دیگر این گونه نیست؛ این جامعه بلکه جامعه جهانی و زمانه معاصر است که در شکل گیری شخصیت نقش کلیدی و اساسی ایفا می کند. ما همیشه بر این باور بودیم که والدین شخصیت کودک را رنگ می دهند، خط و مشی و رفتار او را در زندگی معین می کنند و این والدین هستند که بر اساس روش تربیتی خود، کودکی آرام یا نامتعادل می پروراند؛ چرا که جغرافیای محدود روستا و محله و شهر موجب می شد تا محیط اجتماعی، آن چنان پررنگ عمل نکند و خانواده در کنار عامل محیط و زمان عمل کند؛ هر چند که باز محیط و زمان قوی بودند ولی یکه تاز میدان تعلیم و تربیت و شکل گیری شخصیت نبودند؛ چرا که در گذشته محور تربیت و شکل گیری شخصیت همان خانواده بود و جامعه کمترین نقش را در تربیت افراد ایفا می کرد اما در جهان امروز به سبب گسترش و بهبود فن آوری های ارتباطی از همان آغاز کودکی، کودکان با رسانه ها و تبلیغات و تعلیمات و آموزه های آنان آشنا شده و رشد می کنند. به سخن دیگر، هرچه دامنه ارتباط و ابزارهای ارتباطی بیشتر و قوی تر شد، به همان میزان نقش جامعه پررنگ تر و نقش والدین و خانواده کم رنگ تر شد. در گذشته، فلسفه زندگی و هستی شناسی و جهان شناسی بود که سبک زندگی مردم را تغییر می داد و یا تاثیر مستقیم داشت، اما امروزه با توجه به گسترش فن آوری ها و بهره مندی انسان از آنها، سبک زندگی تحت تاثیر فن آوری قرار گرفته و به همان میزان فلسفه زندگی نیز متاثر از آن شده است. در چنین شرایطی نمی توان تنها از فلسفه زندگی گفت که سبک زندگی را تعیین می کند یا تغییر می دهد، بلکه نوعی تعامل و کنش و واکنش مستقیم میان سبک زندگی و فلسفه زندگی و ابزارها و سازه ها و فن آوری های نوین موجب می شود که هر یک از دیگری تاثیر بپذیرند. نیاز انسان به تلفن همراه و ماهواره و اینترنت موجب می شود که نتواند آن را در زندگی خود وارد نکند. ورود این ابزارها به معنای تغییر فرهنگ، رفتار و تربیت است. اگر در گذشته کودک تنها زمانی که در کوچه، بازار و خیابان یا حتی مدرسه بود، تحت تاثیر فرهنگ و فلسفه و سبک زندگی دیگری قرار داشت و وقتی به خانه می آمد در فضای فرهنگی و تربیتی خانواده محصور و محدود بود و والدین می توانستند بر روی او کار کرده و تاثیرات مثبت بگذارند، امروز دیگر چنین شرایطی وجود ندارد، چرا که تربیت از حالت تربیت فردی و خانوادگی به تربیت اجتماعی و جهانی متحول

شده است؛ زیرا ابزارها و فن‌آوری‌ها همان فرهنگ جامعه و کوی و برزن و بازار را به درون خانه‌ها آورده است. امروز مسئولیت تربیت را باید به جای والدین به دولت و جامعه سپرد. بر همین اساس از آن جایی که تمام فرصت و وقت کودکان در اختیار نهادهای وابسته به دولت و جامعه چون مدرسه، صدا و سیما، اینترنت و مانند آنهاست، باید دولت نقش جایگزینی والدین را به عهده گیرد. پس باید اینترنت و تلفن همراه را تحت مهار و مدیریت قرار دهد. هرچند که کاری بسیار دشوار و گاه نشدنی است ولی این امر از مسئولیت دولت‌ها و نهادهای مدنی و اجتماعی نمی‌کاهد. اکنون این دولت‌ها و نهادهای اجتماعی و مدنی هستند که به سبب اشغال جایگاه والدین حتی در خانواده و اشتغال کودکان به خود باید، آنان را به درستی تحت تربیت قرار دهند و اجازه ندهند که گفتمان‌ها و رفتارهای نادرست و ناپهناجر، مدیریت کودکان را به عهده گرفته و آنان را تربیت کنند.^{۳۵}

تأثیر اشخاص بر رفتار کودک

والدین

بسیاری از اندیشمندان روان‌شناسی به ویژه آقای آلبرت بندورا اعتقاد دارند بیشترین یادگیری‌ها و تأثیرپذیری‌های افراد انسانی، از طریق یادگیری مشاهده‌ای و دیدن الگوهای ارائه شده است. بر اساس نظریه ایشان هر چقدر الگوها از محبوبیت و جایگاه ارزشی ویژه‌ای برخوردار باشند، تأثیرگذاری بیشتری بر الگوگیرنده‌ها دارند. ایشان همچنین اعتقاد دارد والدین (پدر و مادر) به عنوان اولین الگو، بر شخصیت کودکان، اجتماعی شدن آنها، روش‌های تعامل با دیگران، نحوه برخورد با مشکلات زندگی و مسائل اخلاقی کودکان تأثیر جدی و اساسی دارند.^{۳۶}

رفتار پدر و مادر در محیط خانه هرچه باشد سرمشقی برای کودکان خواهد بود، زیرا آنان فاقد آن گونه رشد عقلی هستند که بتوانند خوبی و بدی را تمیز دهند. از این گذشته فرزندان به پدر و مادر خود علاقه دارند و بر این اساس، می‌کوشند رفتارشان را با افعال آنها انطباق دهند. طبق همین اصل معلوم می‌شود پرورش اخلاقی کودکان در محیط خانه به طور عملی صورت می‌گیرد.^{۳۷} اگر پدر و مادر بتوانند با رفتار و کردار خویش، نیازمندی‌های عاطفی کودکان خود را برآورند، مسلماً در بزرگسالی از شخصیت سالمی برخوردار می‌شوند. اشخاصی که در کودکی، در محیط خانواده از والدین خود طعم محبت را نچشیده‌اند، بخصوص محبت مادر را، در بزرگسالی از شخصیت سالمی برخوردار نمی‌شوند و به گروه‌های بزهکار گرایش پیدا می‌کنند و بیماری‌های روانی بیشتر در میان آنان گسترش پیدا می‌کند. پدران و مادرانی که در اثر سهل‌انگاری، از تربیت فرزندان خود سرباز می‌زنند، از نظر دین و اجتماع خطاکار هستند. چرا که فرزند نالایق و فاسد علاوه بر این که برای پدر و مادر خود زیان‌آور است، برای اجتماع نیز فردی مزاحم و سرباز خواهد بود.^{۳۸} رسول اکرم (ص) دربارهٔ

^{۳۵} kayhan.ir

^{۳۶} مصباح و دیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲، ص ۴۶۰

^{۳۷} رشیدیپور، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۰۸

^{۳۸} ensani.ir

پرورش اخلاقی کودکان فرموده: «کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته و خوب تربیت نمایید.»^{۴۱} لذا وقتی پدر و مادر به آموزه های اخلاقی و دینی التزام جدی داشته باشند و با فرزندان روابط عاطفی و اخلاقی محبت آمیز و مؤدبانه، دلسوزانه و دینمدارانه داشته باشند، بر فرزندان خود نیز اثر گذاشته و آنان را به سوی مسائل تربیتی و رفتاری سوق خواهند داد. اگر والدین، از حساسیت عاطفی بهره کافی نداشته باشند کودک از راه تقلید و ساختار همانند سازی، خویشان را همانند پدر و مادر می کند و ناخودآگاه رفتار از رفتار آنها شکل می گیرد و مانند آنها بی مهر و عاطفه بار می آید. والدین باید بدانند که محیط خانواده محلی است که کودک در آن مسائل مختلفی را فرا می گیرد. گاهی والدین آگاهانه چیزهایی به کودک می آموزند، ولی در موقعیت های متعدد، کودک از طرز کار و رفتار والدین چیزهایی یاد می گیرد که خود آنها متوجه نیستند. بعضی والدین اشتباهات چنین فکر می کنند که فقط هنگامی که رفتار و کردار خوبی دارند مورد سرمشق و الگو واقع می شوند در حالی که آنها همیشه و در همه حال سرمشق و الگوی کودکان خود هستند و در همه حال کودکان از رفتار والدین خود سرمشق و الگو می گیرند. بَلَاءُ هَمِّينَ دَلِيلٌ اَسْتِ اَنْ اَنْ اَسْمٰرِ بَرْکِ اِسْلَامٍ (صلوات الله علیه) می فرمایند: «بزرگسالان خود را احترام گذارید و نسبت به کودکان خویش ترحم و عطف نمودن نماید.»^{۴۲}

حضرت امام علی (علیه السلام) نیز در نزدیکی های وفاتش وصیت می کرد که: «در خانواده خود با کودکان مهربان باش و بزرگترها را احترام کن.»^{۴۳}

خواهر و برادر

حدود ۸۰٪ کودکان حداقل با یک خواهر یا برادر بزرگ می شوند. خواهر و برادرها از ارتباط با یکدیگر، نحوه کنار آمدن با دیگران را می آموزند. همه خواهر و برادرها حتی اگر همیشه با هم ارتباط نداشته باشند، باز هم تأثیر بسزایی بر زندگی یکدیگر دارند. کودکان، خانواده و خواهر و برادرهای خود را انتخاب نمی کنند و ممکن است تفاوت جنسیت، سن و رفتار را تجربه کنند و مهم تر از آن ممکن است همه آنها یکی از والدین را بیشتر دوست داشته باشند. همه اینها باعث رقابت بین کودکان یک خانواده می شود.

رابطه والدین با هر یک از کودکان، ترتیب تولد و رابطه کودکان با یکدیگر همه بر هم تأثیر دارد؛ اما مهم ترین عامل، رابطه والدین و اهداف آنها است. طبیعی است که رفتار والدین با هر کودک، خاص همان کودک باشد زیرا نیاز و خلق و خوی هر کودک پاسخ خاص خود را طلب می کند. گاهی اوقات حتی والدین تعجب می کنند که چطور کودکانی که با هم در یک خانه و از یک والدین پرورش یافته اند این همه باهم تفاوت دارند. با اینکه خواهر و برادرها شباهت هایی زیادی به یکدیگر دارند،

۴۱ اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ؛ پاینده، نهج الفصاحه، ص ۸۵

دستر همکاری حوزه و دانشگاه، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، صص ۸۷۰-۸۸۰

ensani.ir^{۴۱}

وقرؤا کبارکم و ارحمؤا صغارکم؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۱۶۳

و ارحم من اهلک الصغیر و وفر منهم الکبیر؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۵۴

اما تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هم دارند، لازم است والدین به منحصر به فرد بودن شخصیت هر کودک توجه کنند و تفاوت‌ها را به رسمیت بشناسند. معمولاً کودکان به تناسب سنشان رفتار و عملکردهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. کودکان کوچک‌تر در سال‌های اول و دوم دبستان غالباً مبارزه فیزیکی را ترجیح می‌دهند و وقتی بزرگ‌تر شدند و به سال‌های آخر دبستان رسیدند دائماً بحث می‌کنند و در پی متقاعد کردن دیگران هستند. جنسیت هم در روابط تأثیر دارد. معمولاً خواهر و برادر های هم‌جنس با یکدیگر رقابت می‌کنند. البته رابطه صمیمی‌تری هم با یکدیگر ایجاد می‌کنند. رابطه خواهر و برادرها هم در خانواده اهمیت دارد و بر کارکرد خانواده در جامعه مؤثر است. ارتباط خواهر و برادرها در خانواده فقط به ترتیب تولد، جنسیت، اندازه خانواده بستگی ندارد، بلکه به عوامل متعددی از جمله شخصیت کودکان، سن آنها، نوع رابطه والدین و شرایط اجتماعی حاکم بر خانواده نیز بستگی دارد؛ اما بر اساس شواهد شخصیت و جنسیت فرزند ارشد، نقش مؤثرتری دارد. به علاوه این رابطه در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. رابطه خوب خواهر و برادرها تأثیر بسزایی در زندگی آتی هر یک از کودکان دارد. رضایت از زندگی را بالا می‌برد و احتمال ابتلا به افسردگی در بزرگسالی را کاهش می‌دهد آنها می‌توانند برای هم ضربه‌گیر باشند و در هنگام سختی‌ها، بیماری و شرایط استرس زا تکیه‌گاه عاطفی، اجتماعی هم باشند و از یکدیگر حمایت عاطفی کنند. رابطه خواهر و برادرها ماندگار است. درحالی‌که هر دوستی دیگری ممکن است موقتی باشد. خواهر و برادرها خاطرات، تجارب و والدین مشترک دارند. آنها در ساختار شخصیت، رفتار، مهارت‌های اجتماعی و شناختی، اعتماد به نفس و ارزش‌های یکدیگر تأثیر دارند. خواهر و برادرها نقش آینه‌ای را دارند که کودک ارزش‌ها و افکار خود را در آن می‌بیند. مثلاً متوجه می‌شود که آیا رفتار او قابل قبول است یا خیر؟ این ایده‌ای که دارد خوب است یا خیر؟^{۴۴}

دوستان

یکی از محیط‌هایی که در مورد تربیت و نقش‌پذیری رفتار بسیار مورد اهمیت است، محیط رفاقت و معاشرت است که می‌تواند در مدرسه و یا بیرون از آن شکل بگیرد. این محیط متشکل از جماعت دوستانی که با کودک در نشاط بچه گانه او شرکت می‌کنند و کودک تحت تأثیر اعمال آنهاست و او نیز به نوبه خود در آنها تأثیر می‌گذارد. دوست شایسته، زمینه ساز پیشرفت و موفقیت است و از طریق مباحثه علمی و تبادل افکار و اندیشه‌ها، باعث بالندگی و پویایی انسان می‌گردد. قرآن کریم به نتایج بد رفاقت و معاشرت اشاره کرده و می‌گوید: «و روزی که ستمکار دستان خود را به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای وای بر من کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم. احادیث نیز در انتخاب و وصف دوستان بی شمار است.»^{۴۵} بر پدران و مادران لازم است به این امر درباره کودکان خود توجه نموده و از اختلاط و معاشرت فرزندان با افراد ناشایست ولو برای لحظه‌ای کوتاه، منع نمایند.^{۴۶}

^{۴۴}Psychoexir.com

و يَوْمَ يَعْزُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ .. يَوَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ فرقان: ۲۹-۴۰

حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، صص ۱۱۳ - ۴۱۶

به دلیل جایگاه مهم و تأثیرگذار دوست در زندگی و شخصیت انسان و به دلیل اینکه صفات دوست به صورت ناخودآگاه به دوست و هم نشین سرایت می کند ، باید با کسانی مصاحبت کرد که از بیشترین خصوصیات مثبت برخوردار هستند . حضرت علی (علیه السلام) در روایتی می فرمایند : « با انسان شرور و پست رفاقت نکن؛ زیرا شخصیت و طبع تو از شرارت های او الگوگیری می کند ، بدون آنکه خودت بفهمی .»^{۴۷} به همین منظور همان طور که صفات زشت و ناپسند در اثر هم نشینی به دیگران منتقل می شود ، صفات پسندیده و زیبا نیز در اثر هم نشینی با دیگران به فرد سرایت می کند ، بنابراین دوست شایسته یکی از سرمایه های بزرگ زندگی و از عوامل خوش بختی و سعادت انسان محسوب می شود لذا نمی توان کودکان را از داشتن دوست محروم کرد بلکه باید زمینه ای ایجاد شود که با افراد صالح و مومن دوست شوند ؛ زیرا دوست نقش زیادی در تحول سرنوشت انسان دارد.. روابط اجتماعی با دوستان هم از عوامل مؤثر در تربیت است . اگر پدر و مادر برخورد صحیحی با این مسأله نکنند و یا دخالت و نظارت لازم نداشته باشند ، ممکن است عامل روابط اجتماعی با دوستان ، تمام پاکی های موروثی و خانواده را نابود سازد .^{۴۸}

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: « رفیق را رفیق نامیدند به این علت که تو را بر صلاح و رستگاری و دینداری کمک می کند . پس کسی که تو را در اصلاح شدن و دینداری کمک نماید ، رفیق واقعی توست .»^{۴۹}

همتایان

همتایان ، یکی از منابع تأثیرگذار در شکل گیری شخصیت هستند . تحقیقات نشان داده اند تأثیر همتایان بر رفتار تربیتی می تواند بسیار بیشتر از تأثیر والدین باشد . افراد همسن به دلیل تناسب سنی و فکری و روان شناختی ، تأثیرات زیادی بر همتایان خود دارند و لذا باید تلاش کرد تا فرزندان با همتایانی رابطه داشته باشند که مشکل اخلاقی و تربیتی ندارند. برخلاف رابطه کودک با پدر و مادر، رابطه با دوستان ، رابطه ای همراه با تساوی و برابری است و بر تفاهم متقابل استوار است . نژودک و نوجوان ، بسیاری از هنجارهای جامعه از جمله الگوی همکاری ، دوستی و علاقه متقابل را از دوستان و همسالان فراگرفته و همچنین بسیاری از مهارت های اجتماعی را از طریق کنش متقابل یکدیگر یاد می گیرند.^{۵۱}

اکثر والدین در مورد تأثیر پذیری فرزندشان و تقلید از همسالان مخصوصاً هنگامی که فرزندشان به سیزده سالگی می رسد نگران و مضطرب هستند . آنها توقع دارند که او به اندازه ی کافی آگاهی داشته باشد تا بتواند خوب و بد را از هم تشخیص بدهد اما آنها با یادآوری زمان کودکی خود می دانند که در مقابل همسالان نمی توان مقاومت کرد. تقلید از همسالان در دوران قبل و آغاز نوجوانی انکار ناپذیر است. نوجوانان هنگامی که می خواهند لباس ، مدل مو یا یک نوع موسیقی یا تیم

ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۲۰ ، ص ۴۷۲

دشتی ، مسئولیت تربیت ، صص ۳۲ - ۴۸

إِنَّمَا سَمِيَ الرَّفِيقَ رَفِيقًا لِأَنَّهُ يَرْفُقُكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ فَمَنْ أَعَانَكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ فَهُوَ الرَّفِيقُ ؛ رى شهرى ، میزان الحکمه ، ج ۴ ، ص ۴۱۵۸

^{۴۷}Hawzah.net

^{۴۸}siarticles.com

ورزشی را انتخاب کنند از دوستان و همسالان خود تقلید می کنند و الگوی آنها دوستشان است زیرا می خواهند عضوی از گروه باشند. الگو گرفتن از همتایان بعضی مواقع می تواند مثبت باشد مثلاً ممکن است آنها کتاب های خوب به یکدیگر معرفی کنند، رقابت سالم برای درس خواندن ایجاد کنند، اطلاعات تازه ای را به دوستان خود بدهند، در انجام دادن کارها به همسایه ی خود کمک کنند یا رفتار مودبانه تری در پیش گیرند اما گاهی جنبه ی منفی نیز دارد. ممکن است کودکان تحت تاثیر گروهی قرار گیرند که با خشونت رفتار می کنند و دوست داشته باشند عضو گروه آنها باشند و کارهای خطرناک، خشن و غیرقانونی را از روی بی فکری انجام دهند. معمولاً کودکانی که با والدین خود دوست و صمیمی نیستند و از راهنمایی و نظریات مثبت آنها تاثیر نمی گیرند بیشتر مستعد پذیرفتن رفتار همسالان خود هستند. اگر در خانه به کودکی توجه نشود و در موارد مختلف نسبت به او سخت بگیرند و با خشونت با او رفتار کنند ترجیح می دهد به افکار و نظریات دوستانش توجه و به حرف های آنها عمل کند و شاید دچار اضطراب شود.^{۴۱} پیشنهاد بد همسالان و دوستان خود را قبول می کند تا شخصیت خود را باز یابد و از این که مورد پذیرش گروه قرار گرفته احساس رضایت می کند، اما اگر فرزند اعتماد به نفس خوبی از خود نشان بدهد و رابطه اش با خانواده خوب و ایده آل باشد کمتر تحت تاثیر رفتار منفی همسالان خود قرار می گیرد.^{۵۳}

نتیجه گیری

یکی از ویژگی های انسان تاثیر پذیر بودن است و این ویژگی به این دلیل می باشد که حقیقت روح و نفس انسان حالتی شبیه به آینه دارد و به تعبیر عرفا «دیگر نما» است. کودک که به فرزند انسان دختر یا پسر زیر ۱۸ سال اطلاق می شود مستثنی از این قاعده نیست. این تاثیر پذیری ممکن است از لحاظ شخصیتی، رفتاری و عملی باشد که در این پژوهش تاثیر پذیری رفتاری کودک از محیط و اشخاص مورد بررسی قرار گرفته است. در تعریف رفتار می توان گفت که یک پاسخ قابل مشاهده است که شامل هر فعالیت و عملی می شود که موجود زنده انجام می دهد. عوامل متعددی بر رفتار کودک موثر است از جمله عوامل محیطی که محیط خانواده به عنوان اولین محیطی که کودک در آن قرار می گیرد تاثیر به سزایی در این راستا دارد و محیط مدرسه که وی چندین سال از عمر خود را در آنجا سپری کرده و جامعه که می توان گفت در شرایط کنونی موثر تر از دو نهاد پیشین است، هم چنین اشخاص موثر مانند پدر و مادر به عنوان افرادی که کودک بیشترین ارتباط را با آن ها دارد و خواهر و برادر که خواه ناخواه کودک با آن ها رشد میکند و دوستان و همتایان که در دنیای خارج از محیط خانواده بیشترین افراد موثر هستند و کودک به راحتی به شکل آن ها در می آید از عوامل انسانی ای هستند که با الگو قرار دادن آن ها گزاره های رفتاری خویش را تشکیل می دهد. اگر این محیط ها و اشخاص سالم بوده کودک را از لحاظ رفتاری رشد می دهند و اگر بالعکس نا سالم باشند موجب انحطاط رفتاری کودک خواهند شد. البته این موضوع به معنای جبر مطلق نیست و انسان با توجه به توانایی ها و اختیاراتی که خداوند به او داده می تواند مسیرش را تغییر داده و به رستگاری برسد.

^{۴۱}Persianv.com

^{۵۳}Koodakonline.com

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ه.ش
- ۲- انصاری، قدرت الله، احکام و حقوق کودکان در اسلام، بی جا: مرکز فقه الاثمه الاطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۳۹۲ ه.ش
- ۳- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، بی جا: سخن، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۴- توسلی، غلام عباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران: سمت، ۱۳۶۹ ه.ش
- ۵- حسن زاده آملی، حسن، مجموعه مقالات، قم: دفتر تبلیغات، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ه.ش
- ۶- حجتی، سید محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۵ ه.ش
- ۷- دشتی، محمد، مسئولیت تربیت (بررسی نقش زنان و مادران در تکامل کودک)، بی جا: امیرالمومنین (علیه السلام)، چاپ هشتم، ۱۳۸۰ ه.ش
- ۸- رشید پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، بی جا: انجمن اولیا و مربیان، چاپ دهم، ۱۳۹۰ ه.ش
- ۹- _____، تربیت از دیدگاه علی (علیه السلام)، بی جا: پرنیان، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش
- ۱۰- شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: سپهر، ۱۳۶۴ ه.ش
- ۱۱- عظیمی، سیروس، روانشناسی کودک، تهران: دهخدا، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ه.ش
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، بی جا: بهمن برنا، ۱۳۷۱ ه.ش
- ۱۳- مایر، جان و دیگران، رشد شخصیت و بهداشت روانی، (سیما نظری)، بی جا: انجمن اولیا و مربیان، چاپ هفتم، ۱۳۹۵ ه.ش
- ۱۴- محدث، علی، کودک و روابط خانواده، بی جا: ایران زمین کهن، چاپ اول، ۱۳۷۰ ه.ش
- ۱۵- مصباح، علی و دیگران، روان شناسی رشد (با نگرش به منابع اسلامی)، بی جا: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ه.ش

16- Basirat .ir

17- Hawzah .net

18- Iqna .ir

۱۹- Tebyan .net

20- Wikipedia .org

21- wikiporsesh .□□